

آثار مر تبط نبودن رشته و شغل ۶۰ درصد دانش آموختگان در کشور

کاهش بازدهی، افزایش سرخوردگی



دکتر مهدی سوداوری | روان شناس



معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش در مصاحبه ای گفت: «بر اساس جدیدترین گزارش سازمان سنجش، بیش از ۶۰ درصد دانش آموختگان دانشگاه ها در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود کار نمی کنند.» در واقع سرمایه کشور، چند سالی برای تربیت افراد در رشته هایی صرف می شود که بازار کار ندارد. در این بین، یک سازمان بین المللی هم اعلام کرده است ایران رتبه ۱۳۰ را در میان ۱۳۰ کشور در بحث ارتباط آموزش با اشتغال دارد. این جملات، نشان از یک بحران خفته در نظام آموزشی و سلامت روان کشور دارد. در این نوشتار به بخش هایی از این آثار نگاهی گذرا انداخته خواهد شد به این امید که دانشجویان و والدین شان با دقت بیشتری در انتخاب رشته، مانع افزایش این آمار شوند.



واکاوی دلایل وقوع این ماجرا

«درس بخوان تا برای خودت کسی بشوی»، جمله معروفی است که بیشتر افراد متولد دهه ۶۰ و احتمالاً ۷۰ بارها آن را از والدین خود شنیده اند. معنای تلویحی این جمله این است که تحصیلات، راه اصلی موفقیت است اما زمانی که این گروه از کودکان به مرحله انتخاب رشته و کنکور رسیدند، هیچ آموزش و مشاوره ای برای این موضوع وجود نداشت و صرفاً بر اساس شنیده ها و ارزش گذاری رایج اجتماعی رشته های تحصیلی، اقدام به پر کردن فهرست ۱۰۰ گزینه ای سازمان سنجش کردند. آن ها فقط می خواستند دانشگاه بروند و بیشتر قصد دکتر و مهندس شدن داشتند زیرا از کودکی به آن ها یاد داده شده بود تحصیلات دانشگاهی ضامن آینده ای روشن و موفق است. این افراد بعد از دانش آموختگی با بازار کاری روبه رو شدند که برای بسیاری از رشته های تحصیلی اشباع شده بود. از سوی دیگر، مهارت های لازم برای کارآفرینی هم به آن ها آموزش داده نشده بود. در واقع دانشگاه، آن ها را صرفاً برای شغل کارمندی مد نظر خانواده ها تربیت کرده بود. امری که دیگر در دهه های ۸۰ و ۹۰ معنایی نداشت. پس بیشتر به دنبال کارهایی رفتند که با رشته تحصیلی آن ها هیچ ارتباطی نداشت. از آن جا که شغل یکی از مهم ترین منابع سلامت روان انسان هاست و بیشترین وقت یک بزرگ سال در زمان شغلی اش سپری می شود، بخش عظیمی از جوانان سرخورده شدند و احساس بی کفایتی در آن ها ایجاد شد. دانستی که قرار بود آینده آن ها را تضمین کند حالا به عامل ایجاد افسردگی تبدیل شده بود.

تبدیل مدرک به یک کالای در دسترس عموم یکی از مهم ترین آثار این موضوع، کاهش ارزش تحصیلات در کشور است. زمانی که دانش آموختگان دانشگاه بیکار باشند یا به کارهای غیر تخصصی اشتغال یابند، هم سن هایی که به جای دانشگاه اقدام به مهارت

آموزی یا کار در بازار کرده بودند، موفق تر خواهند بود. وقتی ارزش تحصیلات کاسته شود و بسیاری از افراد صرفاً برای گذران وقت وارد دانشگاه شوند، هم کیفیت آموزشی افت می کند و هم انگیزه تلاش در دانشجویان از بین می رود و دقیقاً در زمانه ای که باید اقتصاد بر مبنای تولید علم پیشرفت کند، بیشتر دانش آموختگان دانشگاه ها به افرادی تبدیل می شوند که نه تنها توان تولید علم را ندارند بلکه بازار نداشتن پایان نامه و مقاله را هم داغ می کنند. این روند، معدود افرادی را که با علاقه و شناخت استعدادهای خود وارد دانشگاه می شوند، بی انگیزه می کند به طوری که از تلاش دست بر خواهند داشت.

افزایش مهاجرت های تحصیلی

اثر بعدی آن، افزایش مهاجرت نخبگان و دانش آموختگان دانشگاهی است. افرادی که برای تربیت آن ها هزینه های کلان شده به سهولت برای پیدا کردن شغلی مرتبط، از کشور خارج می شوند به گونه ای که امروزه صحبت از مهاجرت به رایج ترین بحث جوانان تبدیل شده است. متأسفانه مهاجرت به موضوعی عادی و الزامی در زندگی بعضی جوانان و دانش آموختگان دانشگاهی بدل شده است.

افزایش سرخوردگی اجتماعی

سرخوردگی اجتماعی ناشی از بها داده نشدن به تحصیلات و دانش تخصصی، یکی از علل ایجاد افسردگی در بسیاری از جوانان است. کسانی که به مشاغلی اشتغال دارند که نیازی به صرف وقت، انرژی و پول در دانشگاه نداشت، از خود می پرسند چرا این همه وقت خود را تلف کرده اند؟ این دیر کرد در ورود به بازار کار بر زمان ازدواج و آمادگی آن ها برای تشکیل خانواده هم موثر است. زمانی که خانواده ها به پول و درآمد افراد توجه می کنند، تحصیلات دانشگاهی به یک نکته منفی در ازدواج تبدیل می شود زیرا دانش آموختگان توان ایجاد درآمد ثابت را ندارند و به مشاغل پاره وقت اشتغال دارند.

دور شدن صنعت و دانشگاه از یکدیگر

هنگامی که جامعه، صنعت، فرهنگ و... هیچ نتیجه ای از خیل عظیم دانش آموختگان نمی بینند، از آن ها مایوس می شوند و به سراغ کپی کردن تجربیات خارجی می روند. این رویه برای رشته های علوم انسانی نظیر روان شناسی و جامعه شناسی حتی شدیدتر است. با آن که در این زمینه ها به شدت مشکل وجود دارد اما کاری برای آن ها وجود ندارد و مراکز تصمیم گیری توجهی به سخنان آن ها ندارند. این بی توجهی به علوم انسانی از جمله بر نامه ریزی آموزش، باعث تشدید مشکلات در زمینه توسعه تحصیلات دانشگاهی می شود.

هدر رفتن سرمایه های عظیم کشور

هدر رفتن منابع مالی عظیم کشور که می توانست در جایی دیگر تمرینش باشد هم به وضوح با این مسئله مرتبط است. برای تربیت این همه متخصص بیکار، هزاران میلیارد تومان هزینه شده اما این هزینه کاملاً هدر رفته است و هیچ بازگشتی برای کشور ندارد غیر از تلف کردن عمر جوانان کشور در دانشگاه با یک وعده سراب گونه برای آینده ای بهتر که گویا از طریق تحصیلات هرگز نمی توان به آن دست یافت. این مشکل برای دانش آموختگان مقاطع ارشد و دکترا بیشتر هم هست زیرا نظام آموزشی مهارت کارآفرینی و ایجاد دانش واقعی را به آن ها یاد نداده است و صرفاً کارمندانی مطیع تربیت کرده که اکنون جایی برای آن ها در سیستم عریض و طویل اقتصاد دولتی وجود ندارد.

به پسری علاقه دارم که به من می گوید خواهر!



دختری ۲۸ ساله ام. دو ازدواج ناموفق داشتم اما حالا به پسری علاقه دارم که به من می گوید «خواهر» چون دوست برادرم و همسر اولم بود. از ازدواج دوم هیچ کسی خبر نداشت جز خانواده خودم. اکنون راهنمای ام کنید چگونه به فردی که علاقه دارم، برسم؟

بررسی کنید چه عواملی باعث شده در شرایط فعلی قرار بگیرید. قبل از هر اقدام دیگری، باید شخصیت خودتان را بررسی و در صورت نیاز اصلاح کنید.

بررسی نقش خانواده تان در زندگی تان

هم اکنون به مردی علاقه مند هستید که دوست برادر و همسر اول تان بوده و همچنان بعد از طلاق همسر اول تان، باز هم با او در ارتباط بودید. نقش خانواده تان را در دو ازدواج قبلی تان توضیح نداده اید. این که آیا آن ها با ازدواج هایتان موافق بوده اند یا نه. البته اشاره کرده اید که آن ها از ازدواج دوم تان خبر داشته اند اما دربار نظرشان چیزی نگفتید. به نظر می رسد در شرایط فعلی، هیچ فردی به اندازه خانواده و والدین تان نتوانند به شما کمک کنند.

از برادر تان کمک بگیرید

در پیامک تان از ما خواسته اید برای ابراز علاقه راهنمایی تان کنیم. اولاً بهتر است ابتدا وارد گفت و گوی مستقیم نشوید و از برادر تان بخواهید در صحبت هایش از ایشان پرسد ملاک ها و معیارهای ازدواجش چیست. شاید اصلاً شما دارای ملاک های این فرد نباشید. پس بهتر است درباره میحت ازدواج و ملاک های وی، اطلاعاتی کسب کنید تا با ذهنیت های وی بیشتر آشنا شوید و بیش از این در گیر یک رابطه حسی یک طرفه نشوید.

شوهرهای سابق تان را تخریب نکنید

یک توصیه مهم درباره این احتمال که با فرد مذکور ازدواج کنید، وجود دارد. مراقب باشید از شوهر اول تان که در گذشته دوست این فرد بوده، بدگویی نکنید. احتمال دارد در درد دل کردن هایتان، همسر قبلی تان را که دوست ایشان بوده تخریب کنید و این احساس ناامنی به ایشان می دهد.



راهله فارسی | مشاور

قبل از هر چیز دوست دارم به شما بگویم بهتر است با یک مشاور صحبت کنید. شما دو بار در دو ازدواج تجربه بدی داشتید و این بار باید خیلی بیشتر مراقب انتخاب تان باشید تا بتوانید همسر مناسبی داشته باشید.

۲ زندگی قبلی تان را بررسی کنید

در حالی که شما تنها ۲۸ سال دارید، دو ازدواج ناموفق داشته اید. باید نقش خودتان را در این دو شکست ببینید.

دختر هایم همیشه با هم دعوا دارند

دو تا دختر دارم. یک سال و نیم با همدیگر اختلاف سنی دارند. یکی ۱۷ و دیگری ۱۸ و نیم سال دارد. همیشه با هم دعوا دارند.



عبدالحسین تریبان | کارشناس ارشد روان شناسی



دو فرزند عزیز شما در یک گروه سنی و هر دو در مرحله نوجوانی دوم هستند. دعوی همیشگی آنان می تواند به متغیرهای متعددی مربوط باشد که باید همه عوامل تاثیر گذار در تنش مستمر این دو خواهر مورد توجه قرار گیرد.

شاید رفتارهای شما عامل دعواست

بیشتر پر خاشگری ها پیامد ناکامی یا احساس ناکامی است. اگر دو خواهر با توجه به فاصله سنی اندکی که دارند در یک جو رقابتی و مرتب با یکدیگر مقایسه می شوند، این رقابت مستمر و مقایسه شدن باعث احساس ناامنی و کوفتگی عصبی می شود. بی قراری عصبی باعث می شود هریک دیگری را عامل ناکامی احتمالی خود بدانند و در این صورت رابطه پر خاشگرانه شکل می گیرد که در این جا نقش والدین در نوع تعامل با دو نوجوان نیاز به بررسی دارد. اگر والدین ناخودآگاه دو نوجوان را مرتب با هم مقایسه کنند یا همواره قضاوت به نفع یکی داشته باشند یا از یکی بیشتر تعریف، تمجید و حمایت کنند، مسلمان این روش والدین می تواند زمینه حسد، بخل و کینه را بین فرزندان فراهم و آن ها را به تقابل و تلاش به حذف یکدیگر یا انتقام جویی ترغیب کند.

سبک ارتباطی جو تئمنده را تمرین کنید

فرض دومی که می توان مطرح کرد، توجه به سبک های ارتباطی است. در سبک پر خاشگرانه، فرد به خود اجازه می دهد به حقوق دیگری تجاوز کند و احترامی برای طرف مقابل قائل نیست که این مدل ارتباطی معیوب را نوجوانان تحت تاثیر الگوهای پر خاشگرانه محیط خود به خصوص در خانواده فرامی گیرند. در خانواده هایی که سبک ارتباطی والدین با یکدیگر و به ویژه فرزندان سبک خشنودانه باشد در این صورت تقابل و پر خاشگری بین اعضای خانواده به حداقل می رسد.

شاید به دعوا اعتیاد دارند!

در تحلیل فرض سوم باید گفت که تداوم دعواها و تبدیل شدن آن به یک عادت روزمره، نوعی اعتیاد را تداعی می کند و در افراد معتاد به دعوا با یکدیگر هر موضوع ساده ای زمینه آن را فراهم می کند. افراد پر خاشگر اظهار می کنند که پس از دعوی روزانه به آرامش می رسند چون شوک های شدید روحی روانی یا آسیب های انی جسمی باعث ترشح اندروفین (شبه تریاک) از غده هیپوفیز در مغز می شود که لحظاتی پس از حادثه فرد احساس آرامش می کند و بعضی برای تجربه مجدد این آرامش پس از جنگ ممکن است هر روز هو اع کنند!

شاید فرزندتان با چ گیر است!

بر اساس فرض چهارم، شاید برخی نزاعات مستمر نوجوان برای جلب توجه والدین و دیده شدن و نوعی امتیاز گیری از والدین باشد. چنان که والدین برای بازگرداندن آرامش مباردت به امتیازدهی کنند یا تسلیم به ساج خواهی احتمالی شوند، این روش نامطلوب می تواند رفتارهای پر خاشگرانه را افزایش دهد.

چند توصیه به شما والدین گرامی

با توجه به نکات مطرح شده به شما مخاطب گرامی، توصیه می شود: الف- برخی از تنش های بین دو فرزند نوجوان شما می تواند به اقتضای سنی آنان باشد و ضرورتی ندارد ما زود وارد موضوع شویم و قضاوت کنیم بلکه خود آنان می توانند مسائل خود را حل و فصل کنند و بی توجهی والدین ضرورت دارد. ب- والدین آگاهانه مراقب باشند که بچه ها احساس تبعیض نکنند و در توجه و محبت و احترام جانب عدالت را رعایت کنند. ج- ضرورت دارد والدین به جایگاه و نقش فرزند ارشد واقف باشند و با توجه به نقش و مسئولیت سباری در فرزند بزرگ احساس مسئولیت نسبت به کوچک ترها را رشد دهند. در این صورت با احساس بزرگی فرزند ارشد، وی از بروز تنش پیشگیری می کند.

سه شنبه ها

از دنیای روان شناسی

دلایل وفور جراحی های زیبایی در ایران

در جامعه امروز ایران، موارد متعددی از انجام جراحی های زیبایی به خصوص در بین زنان به چشم می خورد اما دلیل این همه نارضایتی از بدن خود چیست؟ محققى از کشورمان در مطالعه ای پژوهشی، درصدد پاسخ به این سؤال برآمده است. به گزارش ایسنا، در همین زمینه، پژوهشگری از دانشگاه الزهرا (س) به انجام مطالعه ای تحقیقاتی پرداخته که هدف از آن، مطالعه ادراک زنان جوان از بدن خویش، شناخت راهبردهای اتخاذ شده توسط زنان در نتیجه نوع ادراکشان به بدن و بررسی پیامدهای تصور بدنی ادراک شده توسط زنان ذکر شده است. در این پژوهش کیفی، روش گردآوری داده ها شامل مصاحبه عمیق با زنان جوانی از شهر تهران بوده که تجربه جراحی زیبایی داشته اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که زنان واجد تجربه جراحی های زیبایی، تصور چندانی مثبتی از بدن خویش نداشته اند. افسانه قاسمی، پژوهشگر مسائل اجتماعی و عضو این گروه پژوهشی در این خصوص می گوید: «مقوله های استخراج شده از ادراک زنان تحت بررسی درباره بدن شان نشان داد، آن ها بدن خود را به عنوان سرمایه، نقاب، جایگاه هویت مستقل و جایگاه کسب لذت و آرامش درک می کنند. چنین زنانی تلاش می کنند با استفاده از سازمان دهی بدن خود به شیوه دلخواه، بسیاری از معایب خود را بپوشانند و هویتی را بازسازی کنند که ممکن است در عرصه و زمانی خاص از زندگی، زیر سوال رفته باشد یا حتی هویت دلخواه خود را بسازند و خود را به شیوه دلخواه به دیگران معرفی کنند.» گفتنی است یافته های این تحقیق به صورت مقاله ای علمی پژوهشی در مجله «جامعه شناسی کاربردی» متعلق به دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است.



- زندگی سلام
- سه شنبه
- ۲۵ دیهشت ۱۳۹۷
- شماره ۱۰۴۲

خانواده مشاوره